

عملیات فرامرزی روسیه؛ ابزارها و اهداف

دکتر حیدرعلی بلوجی *

اشاره:

عملیات نظامی روسیه در سوریه، نشان از ابعاد جدید نقش آفرینی این کشور در عرصه بین‌المللی دارد. عواملی که انگیزه‌های این کشور در اقدامات نظامی فرامرزی، تلقی می‌شود و بررسی جایگاه نظامی روسیه که به واسطه آن، این کشور اطمینان ورود به معادلات نظامی در سطح گسترده را دارد، موضوعاتی است که در این گزارش به آن پرداخته می‌شود.

مقدمه

پوتین، در سیاست‌های مربوطه این کشور خود را نشان دهد. سیاست‌ها و استراتژی‌های نظامی جدید روسیه در ابعاد مختلف نه تنها باعث تعجب ناظران امر شده، بلکه به اعتقاد آنها تحقق و اجرایی کردن این سیاست‌ها موجب تقویت نظامی روسیه گردیده است. البته، این به معنی بازگشت به موقعیت دوران شوروی سابق یا تبدیل شدن به قدرت نظامی اول جهان نیست و به طبع تقویت قدرت و جایگاه نظامی روسیه همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده، ولی می‌توان گفت آنچه مطالعه فرایند تحول قدرت نظامی روسیه در دو دهه پس از فروپاشی نشان می‌دهد، آن است که پس از یک دوره کوتاه غافل‌گیری، که زمام‌داران روسیه جدید که سخت مشغول رسیدگی به مشکلات داخلی بودند، جبران عقب‌ماندگی از آمریکا در این زمینه را در دستور کار قرار دادند. در این راستا، هرچند قدرت‌های نوظهور دیگری همچون چین پا به عرصه گذاشته و حداقل در برخی زمینه‌ها از روسیه پیشی گرفته‌اند، اما روسیه با سیاست‌گذاری خاص و مانور قدرت نشان داده می‌خواهد شکاف قدرت نظامی خود با آمریکا و سایر رقبا را پر کند و اتفاقاً در برخی زمینه‌ها از سایرین و از جمله آمریکا پیشی گرفته است.

صرف نظر از توان هسته‌ای استراتژیک روسیه، مداخله نظامی

فدراسیون روسیه جانشین کشوری است که در گذشته‌ای نه چندان دور به اسم اتحاد جماهیر شوروی داعیه ابرقدرتی داشت و با رقیب اصلی خود، آمریکا، به برابری استراتژیک رسیده بود. فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ مثل سایر زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، منجر به افول قدرت نظامی روسیه نیز شد، اما حس ناخوشایند افول قدرت نظامی برای زمام‌داران جدید این کشور بیش از سایر موارد رنج‌آور بود؛ زیرا کشوری که تا دیروز به اتکای قدرت نظامی خود بلوک شرق را رهبری کرده و رویاروی آمریکا ایستاده بود، بلافاصله پس از فروپاشی، هیمنه خود را از دست داده و به ورطه تنزل قدرت فرو افتاده بود. بنابراین، طبیعی بود که این امر به دل‌مشغولی آشکار و بسیار مهم روس‌ها تبدیل شده و در دوران مختلف حکومت زمام‌داران جدید، به خصوص دوره دوم حکومت ولادیمیر

تأکید قرار داد، اما عملیات نظامی روسیه در سوریه، این امر را به اثبات رساند و به جامعه بین‌الملل نشان داد که برگ نوینی از نقش آفرینی روس‌ها در عرصه بین‌الملل آغاز شده است.

با وجود اینکه روسیه به عنوان شریک نظامی دولت سوریه از همان ابتدای بحران، انواع سلاح و تجهیزات نظامی در اختیار سوریه قرار می‌داد و همین‌طور، تعامل چهارجانبه ایران، روسیه، عراق و سوریه برای همکاری اطلاعاتی در مبارزه علیه تروریسم نتایج موفقیت‌آمیزی در حمله به داعش داشت، اما مشارکت مستقیم در بحران تنها از حدود دو ماه پیش آغاز شد. در پاسخ به درخواست رسمی دولت سوریه، نیروهای نظامی روس به منظور کمک به ارتش در مبارزه علیه نیروهای تروریستی وارد این کشور شده و در دهه سوم آگوست ۲۰۱۵ در اولین پایگاه نظامی روسیه در سوریه فرود آمدند. روسیه از زمان اتحاد جماهیر شوروی یک پایگاه دریایی در بندر طرطوس را برای خود حفظ کرده بود، اما این پایگاه تنها برای لنگراندازی کشتی‌های روسی و استفاده خدمه آنها و همچنین ورود محموله‌های تسلیحاتی و مهمات مسکو برای ارتش سوریه مورد استفاده قرار می‌گرفت. از این رو، پایگاه جدیدی در نزدیکی لاذقیه که بخشی از فرودگاه بین‌المللی باسل‌الاسد و اراضی وسیع مجاور آن را شامل می‌شود و برای حضور خلبانان و نیروهای ویژه در آن احداث شده است، برای نیروهای روسی در نظر گرفته شد. تعداد این نیروها در حال حاضر بالغ بر ۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده، اما به احتمال

موفق در بحران‌های اوکراین و سوریه، معرفی دستاوردهای نظامی جدید، اختصاص سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی به هزینه‌های نظامی و سهم این کشور در بازار جهانی اسلحه و نظایر آن، همگی مؤید ادعای فوق می‌باشند. بنابراین، نوشته حاضر قصد دارد با نگاهی به وضعیت کنونی قدرت نظامی روسیه و تطبیق نسبی آن با دوره گذشته این کشور و یا با قدرت کنونی سایر رقبای روسیه، به بحث و بررسی درباره نتایج و آثار سیاست‌های اتخاذ و عملی شده در روند و میزان قدرت نظامی این کشور بپردازد.

ورود نظامی روسیه به عرصه فرامرزی

روسیه با ورود نظامی به اوکراین و سپس عملیات سوریه نشان داد اهداف جدیدی را در ورای مرزها و خاک خود دنبال می‌کند. در پی تحولات سیاسی اوکراین و برگزاری انتخابات این کشور در سال ۲۰۱۴ که در نتیجه آن نیروهای هوادار غرب و خواهان دوری از روسیه به قدرت رسیدند، روسیه بر مبنای حمایت از حقوق روس‌تباران این کشور در مقابل انتخابات اوکراین موضع‌گیری کرد. متعاقباً، نیروهای روس ابتدا به شکل سربازان نقاب‌دار و مسلح، ساختمان‌های دولتی و پایگاه‌های نظامی فرودگاه‌های شبه‌جزیره کریمه را تصرف کردند، سپس ۷ هزار نیروی نظامی وارد این شبه‌جزیره شده و عملاً کنترل آن منطقه را به دست گرفتند. فردای آن روز، تعداد نیروهای روسی به ۱۵ هزار نفر افزایش یافت. سرانجام در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ یک همه‌پرسی توسط دولت شبه‌جزیره کریمه از مردم این منطقه برای پیوستن به روسیه برگزار شد و ۸۱ درصد واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند و ۹۶٫۷۷ درصد به الحاق این شبه‌جزیره به روسیه رأی مثبت دادند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در روز ۱۸ مارس رسماً سند الحاق کریمه به روسیه را امضا کرد و کریمه را جزء جدایی‌ناپذیر روسیه خواند.

اگرچه برخی از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، این واقعه را اشغال نظامی کریمه توسط روسیه نامیدند و در واکنش به این امر، اتحادیه اروپایی اقدام به اعمال تحریم‌های مختلفی علیه روسیه کرد، اما نتیجه آن بود که روسیه با عملیات نظامی موفق توانست خواسته خود را البته به بهای تاوان سیاسی و اقتصادی گزافی که بر سر این اقدام پرداخت کرد، عملی کند. اگرچه ورود نظامی روسیه به اوکراین، اهداف نظامی فرامرزی روسیه را مورد



حدود ۱/۲ میلیون دلار می‌باشد. در مجموع، این حملات توأم با عملیات زمینی ارتش سوریه خسارات سنگینی بر مخالفین و از جمله داعش وارد ساخت.

حملات هوایی کنونی روسیه در سوریه فراتر از استانداردهای تعریف‌شده از سوی ناتوست به گونه‌ای که هیچ‌یک از کشورهای عضو ناتو نمی‌تواند چنین عملیاتی را انجام دهد

به اعتقاد تحلیل‌گران مؤسسه تحقیقاتی بروکینگز، با توجه به عملیات‌های انجام‌شده در سوریه، تصور غرب از توان نظامی روسیه اشتباه بوده است؛ چون حملات هوایی کنونی این کشور در سوریه فراتر از استانداردهای تعریف‌شده از سوی ناتوست و در واقع، هیچ‌یک از کشورهای عضو ناتو نمی‌تواند چنین عملیاتی را انجام دهد. روزنامه نیویورک تایمز نیز حملات هوایی روسیه را بسیار فراتر از توان نظامی آمریکا عنوان کرده و تصریح نمود کشورهای اروپایی فاقد چنین توانی هستند. طبق گزارش نیویورک تایمز، پرتاب موشک‌های کروز از دریای خزر چندان کار سختی نیست ولی هدایت این موشک‌ها برای اصابت به اهداف زمینی در چند هزار کیلومتری شگفت‌آور است. هرچند برخی رسانه‌های غربی به استناد برخی ادعاهای تأییدنشده از سقوط چند فروند از این موشک‌ها در خاک ایران خبر دادند، اما انگیزه آنها در کوچک‌نمایی توان عملیاتی روسیه را در موارد مشابه می‌توان مشاهده کرد. بنا به اعتقاد برخی از ناظران بین‌المللی، مداخله نظامی در بحران سوریه فرصت و موقعیت منحصر به فردی برای روسیه جهت آزمایش سلاح‌های جدید خود به وجود آورده است. در واقع، انجام حملات هوایی و موشکی موفق با استفاده از آخرین تجهیزات پیشرفته نشان

زیاد به زودی به ۳۰۰۰ نفر خواهند رسید. تعداد واقعی نیروهای روسیه مستقر در مناطق مختلف سوریه مشخص نیست، اما بنا به اخبار منتشرشده در رسانه‌ها، نیروهای واکنش سریع روسیه نیز وارد سوریه شده و در پایگاه عملیاتی پیشرفته‌ای در نزدیکی دمشق مستقر شده‌اند.

سری اول حملات هوایی روسیه از ۳۰ سپتامبر با بمباران هوایی مواضع مخالفین اسد در نواحی شمالی سوریه آغاز شد و به تدریج با افزایش حملات هوایی، هواپیماهای روسی با حدود شصت سورتی پرواز در روز و با استفاده از انواع مهمات پیشرفته و از جمله بمب‌های دقیق هدایت‌شونده به بمباران مواضع و تأسیسات متعلق به مخالفین پرداختند. بنا به گفته وزارت دفاع روسیه، از تاریخ ۳۰ سپتامبر تا ۲۲ اکتبر هواپیماهای روسی ۹۳۴ بار به ۸۱۹ موضع مخالفان در سوریه حمله کرده‌اند. هم‌زمان با این حملات، مقامات نظامی روس از قصد این کشور برای تشدید این حملات خبر دادند. در این راستا، تنها در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۵ ناوگان دریایی ارتش روسیه مستقر در دریای خزر ۲۶ حمله موشکی به مواضع مخالفین انجام داد. این موشک‌ها با طی ۱۵۰۰ کیلومتر مسافت و با عبور از آسمان ایران و عراق به طور دقیق به مواضع مخالفین اصابت کردند. حملات مشابهی نیز از ناوگان دریایی روسیه مستقر در دریای مدیترانه صورت گرفته است. برآورد اقتصادی هزینه‌های دخالت نظامی روسیه در بحران روسیه نیز جالب توجه است که رقمی بین ۲/۳ میلیون تا ۴ میلیون دلار در روز گزارش شده و هزینه پرتاب هر موشک کروز نیز

می‌دهد که هدف مسکو از این اقدام نظامی بایستی فراتر از سرکوب مخالفان بشار اسد باشد.

دستاوردها و توان نظامی روسیه

روسیه با ۱۶۰۰ کلاهک هسته‌ای فعال بعد از آمریکا، دومین قدرت نظامی بزرگ جهان به شمار می‌رود. بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۱۵ حدود ۸۴/۵ میلیارد دلار (معادل ۱۴ درصد بودجه آمریکا) بوده است. این کشور در مجموع دومین قدرت نظامی جهان است و از نظر شمار تانک‌ها رتبه اول را دارد. روسیه بعد از آمریکا بیشترین هواپیماهای نظامی را در اختیار داشته و از نظر شمار زیردریایی بعد از آمریکا و چین، رتبه سوم را داراست. طبق آخرین اطلاعات و آمار منتشرشده از عناصر اصلی قدرت نظامی روسیه، موارد زیر احصا می‌شود:

نیروی زمینی: تانک، ۲۲۹۰ دستگاه؛ نفربر، ۲۴۹۰۰ دستگاه؛ توپ قابل حمل بر خودرو، ۶۰۰۰ عدد؛ توپ یدک کش، ۱۲۷۰۰ عدد؛ خمپاره‌انداز، ۶۶۰۰ عدد؛ سامانه موشکی، ۴۵۰۰ سامانه؛ سامانه ضد هوایی، ۴۶۰۰ سامانه؛ سامانه ضد تانک، ۱۴۰۰۰ سامانه؛ و وسیله نقلیه لجستیکی، ۱۲۰۰۰ دستگاه.

نیروی دریایی: کشتی جنگی، ۲۳۳ فروند؛ ناو هواپیمابر، ۱ فروند؛ زیردریایی، ۴۸ فروند؛ قایق جنگی، ۶۰ فروند؛ ناوچه جنگی، ۵ فروند؛ ناوشکن، ۱۴ فروند؛ بندر: ۷ عدد.

نیروی هوایی: هواپیمای جنگی، ۲۷۵۰ فروند؛ بالگرد، ۵۸۸ فروند و فرودگاه، ۱۲۱۳ عدد.

هزینه نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۰۸ به میزان یک‌سوم افزایش یافته و انتظار می‌رود در سه سال آینده بودجه فعلی این کشور تا ۴۴ درصد بالا رود. روسیه در سال‌های اخیر نشان داده است که توان اعزام قوا به خارج را نیز دارد.

هزینه‌های تسلیحاتی روسیه در سطح جهانی رتبه سوم را به خود اختصاص داده و سهم آن ۴/۸ درصد است. این میزان تقریباً هشت بار کمتر از مخارج آمریکاست. با وجود این، مسکو می‌تواند برابری خود با واشنگتن را حفظ کند. آشکار است که این برابری به دلیل وجود نیروهای استراتژیک هسته‌ای ممکن می‌شود. هرچند رویدادهای مرتبط با درگیری در اوکراین و پیوستن شبه‌جزیره کریمه به روسیه گویای آن است که نیروهای مسلح فدراسیون روسیه قادرند در جنگ‌های هیبریدی و با

استفاده از تسلیحات عادی نیز موفق باشند. روسیه در حال حاضر برنامه‌ای پرهزینه را در نظر گرفته و با مبلغ ۶۶۶ میلیارد دلار مشغول مدرن‌سازی تجهیزات ارتش است و طبق برنامه، طی ۱۰ سال آینده باید حداقل ۷۰ درصد از تجهیزات نظامی روسیه مدرن شده باشد. از جمله دستاوردهای مهم نیروی نظامی روسیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سوخو پک فا^۱، پدر همه بمب‌ها^۲، تانک آرماتا، ناو مسکو، زیردریایی نوروسیسک^۳، موشک قاره‌پیمای توپل ام^۴ و سامانه اس ۴۰۰^۵. به علاوه، در سال ۲۰۱۵ وزارت دفاع روسیه میزبان یک نمایشگاه تجهیزات نظامی بود و در جریان آن، جدیدترین سلاح مایکروویو آن با قابلیت غیرفعال کردن پهپادها به صورت خصوصی برای برخی از مقامات عالی‌رتبه این کشور به نمایش گذاشته شد. این سیستم جدید مجهز به نوعی ژنراتور قدرتمند، آنتن بازتاب‌دهنده، سیستم مدیریت و کنترل و همچنین سیستم انتقال جریان است که روی بدنه موشک زمین به هوای بوک^۶ تعبیه شده و از آن برای نابود کردن هواپیماهای بدون سرنشین استفاده می‌شود.

روسیه به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان اسلحه در جهان جایگاه مهمی نیز در تجارت اسلحه دارد. مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم^۷، آماری را در مورد میزان فروش سلاح‌های نظامی توسط این آمریکا و روسیه در سال‌های

1. sokhoi t-50 pak fa
2. FOAB
3. Novorossiysk
4. Topol m
5. S400
6. BUK
7. SIPRI



چین و هند تنها کشورهایی هستند که تا کنون توانسته‌اند قرارداد خرید اس ۴۰۰ با روسیه ببندند. بر اساس قرارداد تسلیحاتی روسیه و چین، مسکو شش مجموعه تسلیحات اس ۴۰۰ به ارزش سه میلیارد دلار به پکن تحویل می‌دهد و در قرارداد فروش تجهیزات نظامی که در سال ۲۰۱۵ بین رؤسای جمهور هند و روسیه امضا شد، هند یک زیردریایی هسته‌ای، ۱۰ سامانه موشکی دفاعی مدل اس ۴۰۰، ۲۰۰ بالگرد و ۱۲۷ هواپیمای جنگنده سوخو ۳۰ از روسیه دریافت خواهد کرد.

شدت گرفتن حملات مخالفین اسد را می‌توان
با نشست‌های وین مرتبط دانست، چراکه با هر
بار روشن‌شدن چشم‌انداز بحران، آنها سعی
می‌کنند با گرفتن اراضی بیشتر، برگ‌های برنده
مهمی در تعیین فرمول سیاسی ختم بحران و
داشتن سهم در آینده سوریه به دست آورند

علاوه بر کشورهای آفریقایی، توجه روسیه برای همکاری نظامی با کشورهای آمریکای لاتین نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته که این امر موجبات نگرانی آمریکا از حضور روسیه در آمریکای لاتین را فراهم آورده است. یکی از محورهای همکاری روسیه با کشورهای آمریکای لاتین، فروش اسلحه بوده است، به نحوی که طی سال‌های اخیر، حجم فروش تسلیحات و فناوری‌های نظامی این کشور به کشورهای منطقه آمریکای لاتین افزایش یافته و روسیه در بازار اسلحه منطقه در حال رسیدن به آمریکاست. روسیه از سال ۲۰۰۹، مقادیر زیادی تسلیحات و فناوری‌های نظامی به کشورهای ونزوئلا، برزیل، مکزیک، پرو، کلمبیا، بولیوی، اروگوئه و اکوادور عرضه کرده و در حال حاضر نیز در تلاش برای صدور تسلیحات نظامی به دیگر کشورهای آمریکای لاتین است.

۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ منتشر و مقایسه‌ای را در این زمینه انجام داده است. طبق آمار این مؤسسه، آمریکا سلاح‌های نظامی خود را به ۵۹ کشور در دنیا می‌فروشد که این کشورها همکاری نظامی با روسیه ندارند. در مقابل، فروش سلاح‌های روسیه به صورت اختصاصی به ۱۵ کشور در دنیا انجام می‌شود که این کشورها از آمریکا تسلیحات نظامی خریداری نمی‌کنند. بزرگ‌ترین مشتری سلاح‌های نظامی روسیه، هند است که در این مدت بیش از ۱۳/۶ میلیارد دلار سلاح از روسیه خریداری کرده است. در مجموع، میزان فروش تسلیحات نظامی آمریکا در این مدت ۲۶/۹ میلیارد دلار بوده، در حالی که میزان فروش روسیه بیش از ۲۹/۷ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

توزیع جغرافیایی مشتریان سلاح‌های روسی نیز طیف وسیعی را در سراسر جهان در بر می‌گیرد. در خاورمیانه کشورهای سوریه، یمن، عراق، ایران و افغانستان از طرف‌های اصلی قراردادهای نظامی با روسیه به شمار می‌روند. البته، برخی از دیگر کشورهای منطقه نیز بنا به دلایل مختلف به خرید اسلحه از روسیه روی آورده‌اند. از جمله، اخیراً گفته شده که عربستان پیشنهاد خرید سامانه اس ۴۰۰ را به روسیه داده است. در مورد خاورمیانه ذکر یک نکته نیز شایان توجه است. در این منطقه، رقابت زیادی بین قدرت‌های بزرگ برای جذب دلارهای نفتی وجود دارد و با توجه به تحولات نظام بین‌الملل، آمریکا و روسیه توانسته‌اند با جذب نظر خریداران منطقه‌ای جایگزین یکدیگر شوند. البته، کشورهای منطقه نیز انگیزه‌های متفاوتی برای خرید نظامی از روسیه و آمریکا و یا بالعکس دارند.

نتیجه گیری

روس ها در سال های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کوشش مستمری داشتند تا القا کنند که روسیه همچنان قدرت بزرگ جهانی است. در حالت کلی می توان گفت، روسیه تنها کشور برخوردار از زرادخانه های هسته ای است که قادر به نابودسازی ایالات متحده آمریکا است. البته با علم بر ضعف توان بازدارندگی هسته ای خود در مقابل آمریکا، روس ها به تأمین توان بازدارندگی در زمینه نیروهای متعارف روی آورده و با سرمایه گذاری زیاد سعی می کنند از دستاوردهای جدید، علاوه بر تقویت توان نظامی خود به بهره های سیاسی و اقتصادی نیز نائل شوند. تحولات چند سال اخیر از ایفای نقش نظامی مستقیم در بحران های اوکراین و سوریه تا عقد قراردادهای نظامی با کشورهای مختلف جهان و معرفی دستاوردهای نظامی جدید، نشان می دهد آنها در رسیدن به این مقصود به طور نسبی موفق بوده اند.

از سوی دیگر، روس ها با سیاست گذاری واقع بینانه، بر منافع حیاتی خود متمرکز شده و از آرمان گرایی در سیاست خارجی و دفاعی خود دست کشیده اند. ولادیمیر پوتین، با تکیه زدن بر قدرت، تغییراتی را در ارتش ایجاد کرده که تا حدودی قدرت آن را افزایش داده است. ولادیمیر پوتین پس از آنکه در سال ۲۰۱۲ بر مسند ریاست جمهوری نشست، ارتش را وارد فرآیند تغییراتی کرد که طی آن ارتش به گروه ها و بخش های کوچک تر و در عین حال چابک تر تقسیم شد. در نگرش جدید دفاعی روسیه، تمرکز بر فناوری ها و تجهیزات مورد استفاده بیش از قدرت نفرات مد نظر قرار گرفته است.

در پایان لازم به ذکر است که هر چند مدت زمان زیادی از دخالت نظامی روسیه در سوریه نمی گذرد، ولی نگاهی به این روند کوتاه مدت نشان می دهد در حالی که عملیات نظامی روسیه در سوریه بسیار تند و سریع آغاز شد و نیروهای این کشور با حملات هوایی متعدد اعم از بمباران مواضع نیروهای مخالف با استفاده از هواپیماها و بالگردهای پیشرفته و حملات موشکی، مواضع مخالفین اسد را در هم کوبیدند و در زمین گیر شدن نیروهای داعش و بعضاً فرار آنها از صحنه جنگ مؤثر واقع شدند، اما به تدریج با واکنش کشورهای غربی، آهنگ این حملات خیلی زود به جای موضع تهاجمی به «هماهنگی» با غرب و «دادن اطمینان به ترکیه» تبدیل شد. سقوط هواپیمای غیر نظامی روسیه نیز بر فراز صحرای سینا،

به فروکش کردن بیشتر این حملات دامن زد. البته، وقوع حملات تروریستی اخیر در پاریس فضای خاصی برای حمله به داعش فراهم کرد. بر همین اساس، نه تنها کشورهای غرب و به ویژه فرانسه، حتی روسیه هم چندین بار دست به حمله هوایی به مواضع نیروهای داعش زدند. واکنش حامیان خارجی نیروهای معارض سوریه در مقابل حملات روسیه، دادن سلاح های سنگین به آنها جهت تقویت قوای روحی و توان عملی برای حمله به نیروهای طرفدار اسد بوده است. در چنین شرایطی، اخبار تحولات میدانی کسب پیروزی های جدید برای معارضین را هم زمان با تحولات سیاسی نشان می داد. در واقع، شدت گرفتن حملات مخالفین اسد را می توان با نشست های وین مرتبط دانست، چرا که با هر بار روشن شدن چشم انداز بحران، آنها سعی می کنند با گرفتن اراضی بیشتر، برگ های برنده مهمی در تعیین فرمول سیاسی ختم بحران و داشتن سهم در آینده سوریه به دست آورند. با وجود این، موضع کلی روسیه حمایت از اسد در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اطلاعاتی بوده و این سیاست در کنار کمک های ایران، نقش مهمی در ادامه مقاومت و بقای اسد و ارتش این کشور داشته است.